

شرح یک سند از زمان شاهسلطان حسین صفوی

سعید میرمحمد صادق

مرحمت فرمودیم که هر نحو تصرف مالکانه که خواهد در آن نماید.

[سطر ۵]: مستوفیان عظام کرام دیوان اعلیٰ (۶)، رقم (۷) این قطعه (۸) را در دفاتر خلود (۹) ثبت نموده از شائبه

[سطر ۶]: تغییر و تبدیل مصون و محروس شناسند و هر ساله رقم مجدد طلب ندارند. تحریراً فی شهر

رمضان المبارک سنه ۱۱۲۹

مطالب ظهر سند

[سطر ۱]: هو الله تعالی

[سطر ۲]: هبه (۱۰) صحیحه شرعیه نمودند

نواب مستطاب خورشید احتجاب قمر

رکاب، ناموس العالمین عصمت الدنیا

والدین، علیّه عالیّه، خانه مزبوره ظهر، بدون

اجبار و اکراه

متن سند:

[سجع مهر]:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
کمترین کلب امیرالمؤمنین
سلطان حسین

۱۱۲۵

[سطر ۱]: حکم جهان مطاع شد آنکه بنا بر شفقت بیغایت شاهانه و مرحمت بینهایت پادشاهانه درباره

[سطر ۲]: نواب مستطاب قمر رکاب خورشید احتجاب، ناموس العالمین عصمت الدنیا و الدین [خدیدجه سلطان بیگم (۱)] خانه مرحوم

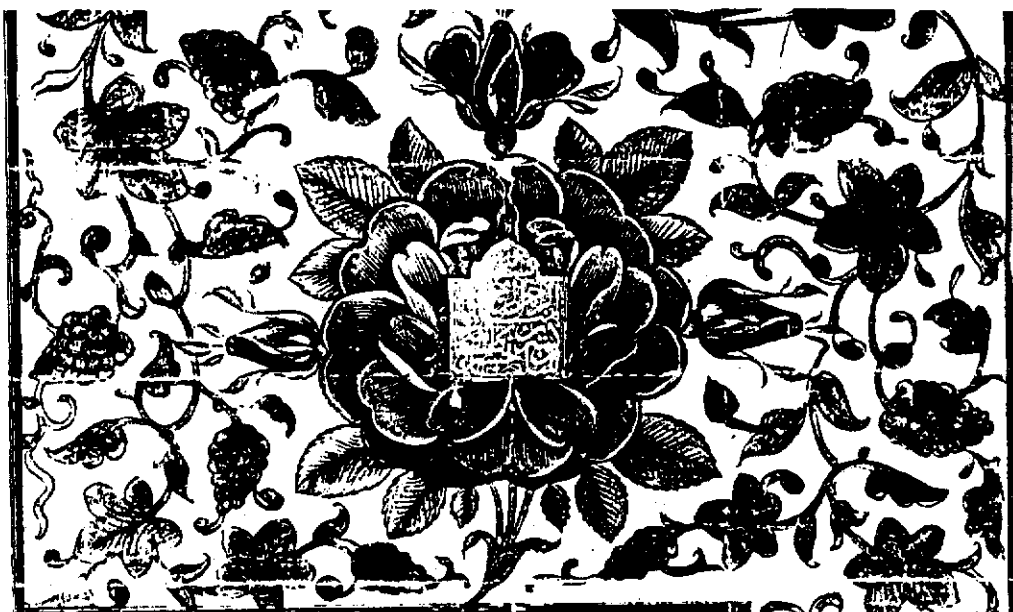
[سطر ۳]: میرزا ابوطالب (۲) صدر (۳) سابق را که جهة سرکار خاصه شریفه اتباع فرموده ایم به اقطاع (۴)

[سطر ۴]: تملیک (۵) مشارالیها عنایت و

سند پیش رو، فرمان شاه سلطان حسین صفوی است به تاریخ رمضان المبارک سال ۱۱۲۹، مبنی بر خریداری خانه مرحوم میرزا ابوطالب صدر سابق و واگذاری آن به خدیجه سلطان بیگم.

اصل سند به شماره کارت و تنظیم ۱۲۰۰۱، در گنجینه اسناد سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می شود. این سند از نوع رقم، به خط "شکسته نستعلیق" و بدور از هر گونه تکلف و پیچیدگی است و مطالب آن با مطالب ظهر سند، مجموعاً در ۱۲ سطر به نگارش درآمده.

اهمیت سند حاضر در چند چیز است. یکی در چگونگی اتباع و تملک و دیگر واگذاری و بخشش شاهانه آن در این دوره و سپس مراحل ثبت دیوانی و نظام اداری صفویه!



حکم حضرت شاه جهان در حرم شهبان
 که بنا بر شرفین است با در حرم شهبان
 نواز سلطان کریم خان شایسته
 ناصرالدین شاه قاجار
 میرزا ابوالفضل صدرای که همه سرکار
 خاصه تیرغ آستین فرموده ایم
 بطلب ملک شایسته و در حرم
 شهبان که هرگز تصرف نماند
 در آن
 سرفشان عظام کرام در بیان
 عظام را در آن فرموده است
 تیسر و بتدبیر مصلحت و محروس
 است از هر کس که بخواهد
 در آن



اسطر ۳: بلکه بالطوع^(۱۱) والرغبة^(۱۲)، مع^(۱۳) ممر^(۱۴) و مدخل^(۱۵) و مایتعلق بهما به عالیجناب سامیه‌اللقاب^(۱۶) مرتضوی انتساب، میرزا ابوتراب فرزند بطنی خود و عالیجناب سامیه‌اللقاب مشارالیه راست

اسطر ۴: که تملک در خانه مزبوره که به هر نحو از انحاء خواسته باشد، تصرف در خانه مزبوره نماید و من بعد احدی را بهیچوجه من الوجوه با عالیجناب مشارالیه

اسطر ۵: گفتگویی نیست و صیغه هبه جاری شد. تحریر فی ۷ شهر... ثبت دفتر خالص شد^(۱۷) ثبت دفتر نظارت شد^(۱۸) ثبت دفتر توجیه دیوان اعلی شد^(۱۹) ثبت دفتر سرخط شد^(۲۰)

یادداشتها

۱- نام این بانو در حاشیه فرمان نوشته شده است.
 ۲- میرزا ابوطالب: وی داماد شاه صفی بود و دختر وی فخر نسایبگ مشهور به شاهزاده بیگم را به حبالة ازدواج خود درآورد. (سید حسین بن مرتضی حسینی استرآبادی، از شیخ صفی تا شاه صفی [از تاریخ سلطانی] به اهتمام دکتر احسان اشراقی، انتشارات علمی، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۲۳۶).
 ۳- صدر: صدر در دوره صفوی بالاترین مقام مذهبی به‌شمار می‌آمد. درباره این شغل، نویسنده تذکرةالملوک می‌نویسد: "مجملاً لازمه مطلق صدرات تعیین حکام شرع و مباشرین اوقاف تسویضی و ریش سفیدی جمیع سادات علماء، مدرسان و شیخ‌الاسلامان و پیشنمازان و قضات و متولیان و حفاظ و سایر خدمه مزارات و مدارس و

مساجد و بقاع‌الخیر و وزراء اوقاف و نظار و مستوفیان و سایر عمله سرکار موقوفات و مساجد و بقاع‌الخیر و وزراء اوقاف و نظار و مستوفیان و سایر عمله سرکار موقوفات و محرران و غسالان و حفران با اوست و..." (میرزا سمیعا، تذکرةالملوک تصحیح دکتر محمد دبیر سیاقی، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۸، ص ۲).

شاردن در باب مقام صدر می‌نویسد: صدر روحانی عالمقام، مشابه با مفتی اعظم عثمانی است و می‌گوید: وی رئیس دیوان روحانی است (مینورسکی، سازمان اداری صفویه، ترجمه مسعود رجب‌نیا، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۸، ص ۷۳).

۴- اصل: یا قطع.

۵- اقطاع تملیک: اقطاع به معنی واگذار کردن زمین است که به تدریج در دوره ایلخانان، مبدل به اصطلاح تیول شد. و اقطاع تملیک به معنی اعطای خود زمین است.

۶- مستوفیان کرام دیوان اعلی: منظور مستوفیان دربار هستند (برای آگاهی بیشتر، نگاه کنید به تذکرةالملوک، ص ۳۶).

۷- رقم: در دوره صفویه، واژه رقم به صورت اصطلاحی دیوانی و به معنی فرمان و حکم به کار رفته است. به‌طور کلی در این دوره به فرمانهای پادشاه، اعم از کتبی و یا شفاهی و به احکام شاهزادگان و مأموران عالیرتبه دولت، عموماً رقم گفته می‌شده است. (برای آگاهی بیشتر، نگاه کنید به تذکرةالملوک، ص ۱۵، همچنین دکتر جهانگیر قائم‌مقامی، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، انجمن آثار ملی ایران، ۱۳۵۰، چاپ اول، ص ۷۴).

۸- اصل: اینقطعه.

۹- دفاتر خلود: دفاتری بوده که تمام احکام و ارقام، در آن ثبت می‌گردیده است.

۱۰- هبه: از ماده وهب، به معنای بخشش و انعام است. در اصطلاح شرع اسلام، آمده است: "هبه عقدی است که اثر آن مالک گردانیدن کسی است عینی را بدون عوض، مالک گردانیدن منجز؛ یعنی بدون تعلیق بر شرط و وصف، در حالتی که خالی باشد از قصد قربت. (محقق حلّی، ترجمه فارسی شریع‌الاسلام، ترجمه ابوالقاسم ابن‌احمد یزدی، کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، چاپ ششم، ۱۳۷۲، ص ۳۶۴).

۱۱- اصل متن: بالثوع.

۱۲- اصل متن: والرقة.

۱۳- اصل متن: معه.

۱۴- ممر: راه گذر، گذرگاه.

۱۵- مدخل: راه ورود، ورودی.

۱۶- سامیه‌اللقاب: صاحب القاب بلند.

۱۷- دفتر خالص: دفتری بوده که برای تهیه آگهی‌های مربوط به زمان تعیین و پرداخت تسویه حساب دوایر حکومت - که بر مخارج نظارت داشتند - وضع شده بود. البته نباید آن را با دفتر خالصه اشتباه گرفت (برای آگاهی بیشتر، نگاه کنید به مینورسکی، همان کتاب، ص ۹۹-۱۰۰).

۱۸- دفتر نظارت: دفتری بوده که متصدی آن مسؤل اداره، ثبت و حسن جریان بخشی از امور بود؛ همچون نظارت بیوتات، نظارت امور مالی، نظارت خرج دربار و....

در اوایل عهد صفویه، شغل نظارت مختص امرای قزلباش بود؛ ولی بعداً به موازات تغییر سیاست سلاطین متأخر صفوی، این شغل از قزلباش گرفته و به خواجه‌سرایان مقربتر و مطیع‌تر واگذار گردید.

صاحب رساله تذکرةالملوک: در باب مواجب نویسنده نظارت می‌نویسد: "نویسنده نظارت نوزده تومان مواجب و از اجارات از قرار تومانی یک دینارونیم رسوم داشته." (مینورسکی، همان کتاب، ص ۹۱، میرزا سمیعا، همان کتاب، ص ۶۲).

۱۹- دیوان اعلی: منظور همان دربار بوده است.

۲۰- سرخط‌نویس: به قول میرزا رفیعا در دستورالملوک، شغل مشارالیه به‌منزله مستوفی سرکار لشکر است. میرزا سمیعا نیز در ضمن شرح شغل سرخط‌نویس دیوان اعلی، می‌نویسد: "... و مستوفی سرکار آقایان و غیر هم و همه احکام و ارقام ارباب مناصب و عمال و کیفیت طلب و تنخواه جماعت معروضه، و ضبط سررشته‌نفری، و قدر تیول و مواجب و همه ساله و براتی ایشانست و بعد از تحریر کیفیتات و تصدیق و ثبت ارقام و احکام مناصب و تیولات و همه سالجات و غیر هم جماعت مزبوره، به خط سرخط‌نویس می‌رسد."

مواجب ماهیانه وی بنا بر قول نویسنده تذکرةالملوک، عبارت بوده از "مبلغ دوازده تومان مواجب و از قرار تومانی از اجارات پنج دینار و چهار دانگ و از تنخواه یکساله امرا و مقریان سه دینار و چهار دانگ، و از تنخواه آقایان و مقریان و بساؤلان بیست دینار و از تیول امرا و غیره هشت دینار و از همه ساله ایضاً پنج دینار و دودانگ و از انعام امرا و جمعی که ملازم نباشند و سیورغال و معافی و مواجب و حق‌السعی عمال شانزده دینار رسوم داشته و از پیشکش نیز ده یک در وجه وی مقرر بوده. (میرزا رفیعا، دستورالملوک، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال شانزدهم، شماره ۵ و ۶، ص ۵۴۱؛ میرزا سمیعا همان کتاب، ص ۴۱ و ۶۲).

کتابخانه شماره ۱۶۷
تاسیس شده در سال ۱۳۰۰

۱۱۷

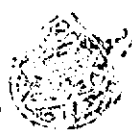


۳۲

هزاره

همه چیز در دست است و شیشه جوی فرکانس را در دست دارید. ادبش فایده ندارد.
کتابخانه آذربایجان در تبریز است و در آنجا کتابهای بسیار است.
در آنجا هم کتابها را نگاه داشته اند و در آنجا هم کتابها را نگاه داشته اند.

نویسنده: محمد علی قزوینی
تبریز



کتابخانه

تبریز